



۲۰۱۶/۰۲/۲۴

حمید انوری

"گذشته تغییر داده نمی شود"، اما فراموش هم نباید گردد!!!

گذشته، چراغ راه آینده است

دو دسته افراد وجود دارند که نهایت تلاش را به خرج میدهند تا مردم را از پرداختن به گذشته باز دارند، به امید اینکه با فراموش کردن گذشته، بالای جرم، جنایت و خیانت خود، خاک فراموشی انداخته و افکار هموطنان را از مسیر درست، منحرف سازند.

این دو دسته افراد یا مربوط می شوند به جنایتکاران "خپ" (خلق- پرچم)، و یا هم مربوط به احزاب و تنظیم های ساخت ایران و پاکستان که با یوروش به پایتخت، خاک کابل را به توبره کردند و از کشته ها پشته ها ساختند.

یکی از این گونه افراد شناخته شده، شخصی است به اسم "میر عبدالواحد سادات" که مربوط می شود به جنایتکاران بی آرم "خپ".

او که هرازگاهی به شیوه های مختلف تلاش و تقلا میکند هموطنان را از پرداختن به گذشته باز دارد، مضمونی دارد تحت عنوان "گذشته تغییر داده نمیشود" و نوشته متذکره خود را با این شعر زیبا آغاز میکند:

(به یزدان که گر ما خرد داشتیم کجا این سر انجام بد داشتیم)

قبل براین که در مورد نوشته مذکور تذکراتی عرض شود، به شعر بالا درنگی میکنیم و بعد میرویم به اصل مطلب.

از مسائل دینی و مذهبی روی دلائل معلوم که بگذریم، پرسشی بجا می ماند که به قسم یاد کردن شاعر در شعر بالا، نویسنده مورد نظر ما تا چه اندازه واقعاً ایمان دارد.

و اما حزب منحلۀ "خپ" و پیروان آن واقعاً هم اگر ذره "خرد" داشتی، مردم بی گناه و بی دفاع و مظلوم افغانستان هرگز این سرانجام بد نداشتی، اما چه باید کرد که آنان در چانته خود مثقالی از خرد هرگز نداشتی و کشور و مردم را به چنان روزی که می بینیم، گرفتار همی کردی.

این "ما" در مصره بالا فقط میتواند مشخصاً خطابي باشد به اعضای حزب منحلۀ "خپ" و نه مردم شرافتمند و سرافراز افغانستان.

برگردیم بر نوشته یاد شده که اگر هموطنان آرزو داشته باشند نگاهی بر آن بیندازند به لینک مضمون در ذیل کمی فشار دهند:

<http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha PDF/sadaat w gozashta taghir dada namishwad.pdf>

بلی گذشته تغییر داده نمی شود، اما جهت معلومات جناب باید عرض کرد که فراموش کردن گذشته هم ناممکن است و این گذشته است که باید چراغ راه آینده باشد و دقیقاً گذشته است که آینده را می سازد. اینکه "گذشته را نمی شود تغییر داد"، هرگز سبب این نمی شود که باید بالای گذشته خاک انداخت، چونکه تغییر نمی کند. این یک دلیل موجه نبوده، بلکه یک سفسطه سرائی و کج بحثی است که هرگز ره بجائی نمی برد.

اینکه مردم شرافتمند و آزاده افغانستان نمی گذارند گذشته های تلخ و خونبار به فراموشی سپرده شوند، علت اساسی و اصلی آن همانا عدم تطبیق عدالت است. حال هیچ تفاوتی بین جنایات و خیانت های "خپ ها" و آنانیکه از "ببخردی" آنان و اربابان روسی شان به نان و نوائی رسیدند و در فردای سقوط رژیم دست نشانده به کابل هجوم آوردند و افغانستان را در منجلا ب جنگ و خونریزی فرو بردند و... وجود ندارد.

نه "خپ ها" حق دارند مردم را از تجلیل روز پانزدهم فبروری، یعنی روز خروج یا بهتر گفته شود فرار و شکست تجاوزگران روسی از افغانستان ممانعت کرده و به طرق مختلف آنرا کمرنگ جلو دهند، و نه هم تنظیم های تولد شده در پاکستان و ایران و اعوان و احفاد شان چنین اجازه و حقی دارند که افتخارات مردم افغانستان را به تنظیم های بی سر و پای خود و چوپه بچه های شان مربوط و منوط سازند و آنرا به گند بکشند.

سالگرد فرار عساکر متجاوز روسی از افغانستان همه ساله از طرف مردم عام افغانستان در داخل و خارج از کشور به گونه های مختلف در حد توان یادآوری میگردد و تا جهان است چنین خواهد بود.

بگذار "تیکه داران جهاد" با نام "جهاد" تجارت کنند، همانگونه که "خپ ها" بنام "دیموکراتیک" و "خلق" و "قانونیت، مصونیت، عدالت" و "نان - خانه - لباس" و... با سرنوشت ملت و مملکت نامردانه بازی کردند و میهن ما را پیشکش تجاوزگران روسی کردند و دمار از روزگار مردم بدر آوردند و...

روزگار چه بازی های شومی دارد!!! امروز دگر کار بجائی رسیده است که "خپ ها" برای هموطنان ما درس "حب الوطن من الایمان" میدهند. تقو بر تو ای چرخ گردون تف!!!

به گفته شاعر:

به دعا دست برآید که برگردد چرخ

شاید آن روی فلک، بهتر از این رو باشد

این نویسنده بعد از اندکی تاب و پیچ دادن جملات و ره کم کردن ها علاوه میکنند (... نه اینکه به گذشته بچسبیم و آنرا مطابق ذوق خود پالایش دهیم). این پالایش مورد نظر جناب سادات نظر به نوشته کج و معوج خود شان، ضرورت به هیچگونه پالایش ندارد و یک حقیقت مسلم و پذیرفته شده است و به "گذشته چسپیدن" هم بر علاوه آنکه خواسته برحق تمام مردم افغانستان جهت تطبیق عدالت است، در حقیقت چراغ راه آینده است. اینکه تجاوزگران روسی چگونه به این نتیجه منطقی رسیدند که "افغانستان یک زخم خونین است" و هرچه زودتر باید راه خود گرفت و رفت و لحظه هم به عقب نگاه نکرد، همانا در اثر رشادت ها، مبارزات و مقاومت

تمام مردم افغانستان در مقابل تجاوزگران و نوکران داخلی شان به دست آمد، حال اختیار جناب که آنرا به "مذاکرات ژنیو" پیوند میدهد یا بگفته خود شان "دفاع مستقلانه؟! " و هزار و یک دلیل دگر، برمیگردد به طرز برداشت خودشان و به گونه ای فرار از واقعیت و بحث را به کجراه بردن و به اصطلاح آب را گل آلود کردن و ماهی مطلوب صید نمودن.

به سادگی میتوان در مورد هر جمله و پراگراف نوشته این آقا، صفحات متعددی نوشت و همه را تول و ترازو کرد، اما فکر کنم همین اندازه کافی باشد.

هموطنان خود میتوانند به لینک بالا مراجعه کرده و در مورد قضاوت کنند.

در خاتمه خدمت آقای سادات باید عرض کرد که هرگز موفق نخواهید شد مردم را به کجراهه رهنمائی کنید و مدعی شوید که "گذشته تغییر داده نمی شود"، پس باید گذشته را فراموش کنند و...

یگانه راهی که برای "خپ ها" و شرکای تنظیمی- طالبی شان وجود دارد، همانا اگر ذره ای از شرافت و وجدان در وجود بی وجود شان باقی باشد، یک معذرت رسمی از مردم افغانستان است.

این است راه فلاح و رستگاری و این گونه می شود تا اندازه گذشته های خونبار را فراموش کرد.

"دا گز او دا میدان"!!!!

بگفته "پژواک" بزرگ: "در خانه گر کس است، یک حرف بس است".

